



هر پنجشنبه یک قتل

رازگشایی از جنایت های دو پسر بچه که قرار گذاشته بودند هر پنجشنبه یک کودک را به قتل برسانند، خاطره یکی از کارآگاهان باتجربه پلیس آگاهی است

دومین گمشده

یک هفته بعد، دومین مورد به پلیس بهارستان گزارش شد. کودکی دیگری به نام علی این بار در حوالی شمال منطقه ای که امیر ناپدید شده بود، گم شد. پسرک به خواسته مادرش برای خرید از خانه خارج شده و حتی به سوپرمارکت هم رفته بود. او پس از خرید از مغازه خارج شده و دیگر کسی او را ندیده بود. ناپدید شدن پسرک این احتمال را مطرح کرد که او نیز سرنوشتی مانند سرنوشت امیر دارد. با این حساب ما با قاتلی سریالی مواجه بودیم، گرچه برای قتل های سریالی موضوع سه جسد یا سه مورد مطرح است. اما همین مساله و شگرد ناپدید شدن کودکان و همچنین این موضوع که کودکان پنجشنبه ها ناپدید می شدند برای ما فرضیه قتل سریالی را پررنگ کرده بود.

لکه قهوه ای

بلافاصله وارد عمل شده و هشدارهای لازم را اعلام کردیم. در تحقیقات مان حدود ۱۰۰ مظنون بازداشت شد اما مدارک و شواهد نشان می داد که هیچ کدام از آنها در قتل امیر و ناپدید شدن علی نقشی ندارند.

بررسی ها ادامه داشت تا این که ماموران کلانتری به دو مرد جوان مشکوک می شوند. لکه قهوه ای روی لباس یکی از آنها، شک مامور جوان را بیشتر می کند. هر دو مرد به عنوان مظنون بازداشت شده و به مقر پلیس منتقل می شوند.

اظهارات متناقض دو مرد جوان باعث شد بیشتر به آنها مشکوک شویم. گرچه همزمان احتمال دادیم که اظهارات متناقض و عجیب آنها شاید به دلیل مصرف مواد باشد.

متهمان سابقه دار بودند و در بررسی هایمان مشخص شد مرتضی، حدود یک ماه قبل پس از تحمل حبس از زندان آزاد شده بود. اما نکته مهم این بود که مرتضی به دلیل آزار و اذیت بازداشت شده بود. سابقه متهم جوان، اظهارات متناقض و مدارکی که در دست داشتیم احتمال دست داشتن آنها در این پرونده را پررنگ می کرد.

خاطره این هفته در خصوص ناپدید شدن دو کودک و قتل سریالی آنهاست. جنایتی که اگر اقدامات به موقع پلیسی و قضایی صورت نگرفته بود، ممکن بود تعدادش از دو کودک پیشی بگیرد. قتل های سریالی که توسط دو متهم اجرا شده و آنها فرصت برای اجرای سومین نقشه خود را نکردند.

چند سال قبل بود که گزارش ناپدید شدن پسر ۸ ساله ای به ما اعلام شد. امیر به همراه پدرش برای خرید وسایل مدرسه از خانه خارج می شود اما سرمای هوای دی ماه باعث می شود که پدر او را به خانه بفرستد و ۱۵ دقیقه بعد که خود به خانه برگشت از امیر خبری نبود. آنها برای یافتن امیر تمام خیابان ها را جست و جو می کنند، با آن که احتمال می دهند پسرک آن موقع شب جایی نرفته باشد با این حال به خانه اقوام و دوست های امیر سر می زنند. اما از پسر ۸ ساله هیچ رد و نشانی به دست نمی آورند و ناامید از اتفاقی که برای کودک شان رخ داده، گزارش ناپدید شدن او را به پلیس اعلام می کنند.

جسدی در خرابه

از آنجا که امیر، شب ناپدید شده بود با روشن شدن هوا دوباره جست و جوهای محلی آغاز می شود. آنها حتی سراغ خرابه ها و محل های متروکه اطراف محل زندگی امیر هم می روند اما از پسرک خبری نبود. اما خانواده امیر و اهالی همچنان به جست و جو ادامه دادند تا این که صدای ناله و فریاد عموی امیر، خبر از اتفاق تلخی می داد. در میان یکی از خرابه ها، پسرک خونین روی زمین در حالی افتاده بود که مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود. جسد امیر نخستین جنایتی بود که در آن سال به ماموران پلیس بهارستان اعلام شد، جنایتی که شاید تصورش نمی شد سریالی باشد و کودکانی دیگر نیز قربانی شوند.

کشف دومین جسد

در حالی که تحقیقات از مرتضی و همدستش ادامه داشت و آنها همچنان منکر ماجرا بودند، ۱۰ روز پس از بازداشت دو متهم، جسد علی پیدا شد. جسد را مرد معتادی در حال عبور از حاشیه ریل قطار پیدا کرده بود. او قصد داشت به زیر پلی در همان حوالی برود تا مواد مصرف کند که جسد علی را می بیند و به پلیس خبر می دهد.

با کشف دومین جسد، به دستور بازپرس جنایی جنازه به پزشکی قانونی منتقل شد. علی هم مانند امیر قربانی شده بود و مدارکی از سوی متخصصان پزشکی قانونی و تیم تشخیص هویت به دست آمد که نشان می داد مرتضی و همدستش هر دو کودک را به قتل رسانده اند. متهمان که همچنان منکر جنایات بودند در مواجهه با مدارک به دست آمده به ناچار لب به اعتراف گشودند و راز دو جنایت سیاه را برملا کردند. مرتضی و منصور در تحقیقات عنوان کردند که دو کودک را به بهانه خوراکی ربوده و آنها را مورد آزار و اذیت قرار داده و در نهایت به قتل رسانده بودند.

با دستگیری دو مرد متجاوز؛ نقشه آنها که به گفته خودشان قرار بود هر پنجشنبه کودکی را ربوده و قربانی نقشه سیاه خود کنند برملا شد و کودک دیگری به دام آنها نیفتاد. دو مرد جنایتکار پس از محاکمه به قصاص محکوم شدند که این حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و زندگی آنها با چوبه دار پایان گرفت.

برگ سبز خودرو ساینما، مدل ۱۴۰۰، رنگ سفید، شماره موتور M15/9161699 شماره شاسی NAS831100M5724198 به نام عاتکه عباداللهی چندانق مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی موتورسیکلت جهان رو، رنگ مشکی، مدل ۹۰، شماره موتور E6DB2093876 شماره تنه 180B9002380 به نام میلاد بلگوریان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز تیبیا ۲، رنگ سفید، مدل ۹۷، شماره موتور M15/8685190 شماره شاسی NAS821100J1199331 به نام کیوان توانا گیلوندانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

اینجناب علی حسین زاده بازآرگرد مالک خودرو آتا به شماره موتور 163B0165816 و شماره شاسی NAAU01FEF2106810 به علت فقدان شناسنامه مالکیت خودرو تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در تهران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

اینجناب نعمت بهجت شالمانی مالک خودرو پیکان وانت به شماره موتور 11517715076 و شماره شاسی 77915270 به علت فقدان سند مالکیت خودرو تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.